زوم

گفتاری از یک سینماگر در پاسخ به یک پرسش قدیمی

چه کسی کتاب‌های سینمایی را می‌خواند؟

مجید برزگر، نویسنده و کارگردان | شاید این پرسش که «چه کسی کتاب‌های سینمایی را می‌خواند؟» را هر یک از ما، دست‌کم یک بار، هنگام عبور از برابر قفسه کتاب‌های تخصصی سینما شنیده یا در ذهن خود تکرار کرده باشیم؛ قفسه‌هایی که برخلاف رمان‌ها یا کتاب‌های عمومی، معمولاً آرام، خلوت و بی‌هیاهو هستند. کتاب‌هایی درباره نظریه سینما، تاریخ سینما، نقد فیلم، زیبایی‌شناسی تصویر، کارگردانی، فیلم‌نامه‌نویسی، تدوین و فیلم‌برداری؛ کتاب‌هایی که نه در فهرست پرفروش‌ها قرار می‌گیرند و نه معمولاً صفی برای خریدشان شکل می‌گیرد.

اما این پرسش، بیش از آنکه درباره شمار خوانندگان باشد، درباره نسبت ما با خودِ سینماست.

آیا سینما هنری است که تنها با دیدن فیلم آموخته می‌شود؟ آیا تجربه عملی می‌تواند جای مطالعه را بگیرد؟ آیا در روزگاری که هزاران ساعت آموزش ویدئویی، کلاس آنلاین و محتوای آموزشی در دسترس است، هنوز کتاب‌های تخصصی نقشی تعیین‌کننده دارند؟ و مهم‌تر از همه اگر این کتاب‌ها خوانده نشوند، چه چیزی را از دست خواهیم داد؟ به گمان من، پاسخ این پرسش تنها به سرنوشت صنعت نشر مربوط نیست؛ بلکه به آینده فرهنگ سینمایی ما گره خورده است زیرا هر سینمایی، افزون بر فیلم‌هایی که تولید می‌کند، با اندیشه‌هایی که درباره خود می‌پرورد هم شناخته می‌شود. فیلم‌ها، چهره آشکار یک فرهنگ‌اند؛ اما کتاب‌ها، حافظه و وجدان آن فرهنگ‌اند. فیلم روی پرده متولد می‌شود و زندگی می‌کند، اما آنچه تجربه یک نسل از فیلمسازان، منتقدان و پژوهشگران را به نسل بعد منتقل می‌کند، بیش از هر چیز در کتاب‌ها ثبت می‌شود.

از همین رو اگر فیلم‌ها حافظه تصویری سینما باشند، کتاب‌های تخصصی، حافظه فکری آن هستند؛ جایی که تجربه به دانش بدل می‌شود، دانش به نقد راه می‌برد و نقد، امکان آفرینش تازه را فراهم می‌کند. سینما پیش از آنکه مجموعه‌ای از تصویرهای متحرک باشد، شیوه‌ای برای نگریستن به جهان است. این شیوه دیدن، تنها در سالن تاریک سینما شکل نمی‌گیرد؛ در سکوت کتابخانه‌ها، در حاشیه‌نویسی کتاب‌ها، در گفت‌وگوی نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران و دانشجویان نیز ساخته می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که هر بار این پرسش تکرار می‌شود که «چه کسی این کتاب‌ها را می‌خواند؟» در واقع پرسش دیگری نیز در پس آن نهفته است: چه کسانی آینده سینما را خواهند ساخت؟ پاسخ به این پرسش، موضوع تأمل امروز ماست. من معتقدم تماشای فیلم، تجربه می‌آفریند؛ مطالعه، آن تجربه را به آگاهی بدل می‌کند. تفاوت این دو، تفاوت میان مواجهه و تأمل است. بسیاری از ما ممکن است یک فیلم را دوست داشته باشیم یا از آن لذت ببریم، بی‌آنکه بدانیم چرا. کتاب‌های نظریه و نقد، این «چرا» را پیش روی ما می‌گذارند. آن‌ها به ما نمی‌آموزند چه فیلمی را دوست داشته باشیم؛ به ما می‌آموزند چگونه ببینیم، چگونه بپرسیم و چگونه آنچه را دیده‌ایم، به زبان بیاوریم.

کتاب‌های تخصصی بیش از آنکه اطلاعاتی تازه به ما بیفزایند، این زبان مشترک را می‌سازند؛ زبانی که امکان گفت‌وگو میان فیلمساز، منتقد، پژوهشگر، مترجم، دانشجو و حتی مخاطب جدی سینما را فراهم می‌کند. اطلاعات و اینفورمیشن یا شناخت و معرفت. اگر این زبان مشترک از میان برود، گفت‌وگو نیز جای خود را به مجموعه‌ای از داوری‌های شتاب‌زده و سلیقه‌های پراکنده خواهد داد. آن گاه دیگر کمتر می‌توان درباره سینما بحث کرد؛ فقط می‌توان درباره آن اظهار نظر کرد. شاید یکی از مهم‌ترین نقش‌های کتاب تبدیل نظر به اندیشه باشد. کتاب‌های نقد سینمایی فقط برای منتقدان نوشته نمی‌شوند؛ آن‌ها شیوه‌ای از دیدن را آموزش می‌دهند. خواننده این کتاب‌ها، کم‌کم از مصرف‌کننده تصویر به خواننده تصویر بدل می‌شود. تصویر را نه صرفاً به عنوان رویدادی دیداری بلکه به منزله متنی فرهنگی می‌خواند؛ متنی که از قاب، حرکت، نور، صدا، سکوت، زمان و حذف ساخته شده است. در این معنا، نقد ادامه حیات فیلم است. فیلم با پایان نمایش به پایان نمی‌رسد؛ در ذهن مخاطبان، در گفت‌وگوها، در مقاله‌ها و در کتاب‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهد.

از همین رو، کتاب‌های سینمایی صرفاً منابع آموزشی نیستند؛ آن‌ها حافظه جمعی این هنر هستند. هر کتاب، حاصل سال‌ها خواندن، اندیشیدن، تجربه کردن، ترجمه کردن و نوشتن است.

تأکید سیدجواد هاشمی در گفت‌وگو با قدس بر ضرورت زنده نگه داشتن یاد ۴۰۰ کودک شهید جنگ رمضان

سینمای کودک صدای شهیدان کوچک باشد

این جنگ حتی ده‌ها برابر دفاع مقدس هشت‌ساله، سوژه و ظرفیت روایت در دل خودش دارد؛ اتفاق‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که هر کدام می‌تواند مبنای یک اثر مستقل باشد

نیایش احمدی | جنگ، پیش از آنکه شهرها را ویران کند، کودکی را از کودکان می‌گیرد؛ از بازی‌های نیمه‌تمام، از آرزوهایی که قرار بود با فوت کردن شمع تولد به آسمان بروند و از دنیایی که باید امن‌ترین جای زندگی‌شان باشد. روایت جنگ برای کودکان، یکی از دشوارترین مسئولیت‌های هنرمندان و برنامه‌سازان است؛ روایتی که نه می‌تواند حقیقت را پنهان کند و نه اجازه دارد خشونت را به بخشی عادی از جهان کودک تبدیل کند. سیدجواد هاشمی که سال‌هاست بخش مهمی از فعالیت‌های خود را به سینما و آثار کودک و نوجوان اختصاص داده، در فیلم‌هایش بارها تلاش کرده مفاهیمی مانند ایستادگی در برابر ظلم، شجاعت و مسئولیت‌پذیری را با زبانی غیرمستقیم، نمادین و متناسب با دنیای کودکان روایت کند؛ رویکردی که نمونه‌هایی از آن را در آثار کودکانه‌اش از جمله مجموعه فیلم‌های «آهوی پیشونی سفید» می‌توان دید. ساخت تازه‌ترین فیلم سینمایی سیدجواد هاشمی با محوریت جنگ اخیر و پرداختن به کودکان، بهانه‌ای شد تا با او درباره نسبت سینمای کودک با جنگ، مسئولیت هنرمندان در قبال کودکان و چگونگی روایت مفاهیم دشوار برای مخاطبان کم‌سن و سال گفت‌وگو کنیم.

■در شرایطی مانند جنگ رمضان یا جنگ ۴۰ روزه، آیا برنامه‌ساز کودک صرفاً تولیدکننده محتوای سرگرم‌کننده است یا به یک کنشگر اجتماعی نیز تبدیل می‌شود؟ به نظر شما مرز مسئولیت اجتماعی یک برنامه‌ساز کودک تا کجاست؟

اتفاقاً برای جشنواره کودک، یک فیلم سینمایی دارم می‌سازم که موضوع آن همین جنگ رخ داده اخیر است. به اعتقاد من، این جنگ حتی ده‌ها برابر دفاع مقدس هشت‌ساله، سوژه و ظرفیت روایت در دل خودش دارد. اتفاق‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که هر کدام می‌تواند مبنای یک اثر مستقل باشد. واقعاً چه چیزی می‌تواند هنرمندان حوزه سینما را، در همه ژانرها و گونه‌های مختلف، از کودک و نوجوان گرفته تا درام و هر قالب دیگری، برای تولید اثر اقناع کند؟ ما با موضوعات بکر و تازه‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توانند دستمایه نوشتن سناریوها و فیلم‌نامه‌های متعددی شوند. این ظرفیت فقط به سینما محدود نیست؛ در حوزه‌های دیگری مانند تئاتر و حتی دیگر شاخه‌های هنری نیز می‌توان از این موضوعات بهره گرفت و آثار ماندگاری خلق کرد. قطع به یقین، در حوزه کودک هم ظرفیت‌های فراوانی برای روایت وجود دارد. ما ۴۰۰ شهید کودک داریم؛ ۴۰۰ کودکی که توسط اسرائیل و آمریکا به شهادت رسیدند.

■چه مسئولیتی در قبال همین ۴۰۰ کودکی که به شهادت رسیده‌اند وجود دارد؟ آیا صرفاً بازگو کردن این اتفاق کافی است یا مسئولیت هنرمند فراتر از روایت صرف است؟

این یک فاجعه انسانی است که می‌تواند دستمایه خلق آثار مختلف باشد؛ نه فقط به‌عنوان یک موضوع تراژیک برای برنامه‌سازی کودک و نوجوان، بلکه حتی می‌توان از زاویه‌های دیگری نیز به آن پرداخت و با بهره‌گیری از این ظرفیت، آثاری حماسی در حوزه کودک و نوجوان خلق کرد. به اعتقاد من، هنرمندان می‌توانند از این فرصت ارزشمند به بهترین شکل استفاده کنند. سه دلیل برای این نگاه دارم؛ دلیل نخست، کمبود آثار ایرانی در حوزه کودک و نوجوان است. چنین موضوعاتی می‌تواند به تولید آثار فاخر و ماندگار در این حوزه کمک کند. دلیل دوم این است که فیلم‌های کودک، به‌دلیل قابلیت حضور در جشنواره‌ها و رویدادهای بین‌المللی، می‌توانند مخاطبان سراسر دنیا را با جنایت‌های این کودک‌کش‌ها و جریان‌های امپریالیستی و غیردموکرات آشنا کنند. موضوع سوم هم این است که ما امروز با یک موقعیت انسانی برای خلق آثار هنری مواجهیم و در مقابل، با شرایطی غیرانسانی روبه‌رو هستیم که می‌تواند چهره واقعی دیکتاتورهایی را که مدعی دموکراسی هستند، به تصویر بکشد. به اعتقاد من، هنرمندان باید در این سه حوزه نقش‌آفرینی کنند و مسئولیت خود را تنها به گفت‌وگو، مصاحبه یا بیان چند جمله محدود نکنند. به نظر من، اگر این اتفاق فقط در حد حرف باقی بماند، در حق این بچه‌ها ظلم شده است.

■در چنین شرایطی، آیا برنامه‌سازان باید کودک را از واقعیت جنگ دور نگه دارند یا برعکس، حقیقت را متناسب با سن و درک او روایت کنند؟ اگر انتخاب با خود شما به‌عنوان یک برنامه‌ساز باشد، کدام رویکرد را ترجیح می‌دهید؟

من در پایان فیلم خودم یک صحنه از شمع تولد گذاشته‌ام. از کودک می‌پرسم: «حالا که می‌خواهی شمع را فوت کنی، آرزویت چیست؟» و او می‌گوید: «آرزوی من این است که دیگر هیچ‌وقت جنگ نشود.» این دقیقاً همان نگاهی است که من به آن اعتقاد دارم. من معتقدم باید برای بچه‌ها ترسیم کرد که چنین اتفاق غیرانسانی رخ داده است، اما در عین حال نباید آن‌ها را به دوست داشتن جنگ سوق داد. جنگ ذاتاً چیز خوبی نیست. همان طور که در قرآن کریم نیز جنگ ستوده نشده است. در سوره بقره آمده است که بجنگید، اما اگر آن‌ها دست کشیدند، شما هم دست بکشید. این یعنی اصل، صلح است و جنگ تنها در شرایطی خاص معنا پیدا می‌کند. همین نگاه را در سیره پیامبر اسلام(ص) نیز می‌بینیم. آنچه تاریخ اسلام به ما نشان می‌دهد، این است که پیامبر(ص)، اهل بیت ایشان و امیرالمؤمنین(ع) هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبودند. با اینکه در تاریخ اسلام ده‌ها جنگ ثبت شده است، اما آغازگر جنگ، دشمنان اسلام بودند. این آموزه مهمی است که بچه‌ها باید آن را یاد بگیرند؛ اینکه هیچ‌وقت آغازگر خشونت نباشند.

در عین حال، باید این را هم بفهمند که اگر مورد ظلم قرار گرفتند، قرار نیست همیشه سکوت کنند و هیچ واکنشی نشان ندهند. اینکه کودک آن قدر منفعل و مظلوم بار بیاید که زمینه سوءاستفاده دیگران فراهم شود هم نگاه درستی نیست. البته بیان این مفاهیم با زبان کودکانه، کار بسیار دشوار و ظریفی است، اما اگر درست انجام شود، به نظر من بسیار ارزشمند خواهد بود. من معتقدم اسباب‌بازی کودک هیچ‌وقت نباید تفنگ باشد. برای بچه‌ها باید ماشین، عروسک و وسایل متناسب با دنیای کودکانه خرید، نه ابزار جنگ. اما در کنار این، باید به آن‌ها آموزش داد که اجازه ندهند مورد ظلم قرار بگیرند. مهم‌تر از همه اینکه نباید بچه‌ها را ترسو تربیت کرد. به نظرم فیلم‌هایی از این جنس می‌توانند حتی به‌صورت غیرمستقیم درباره جنگ با کودکان صحبت کنند و به آن‌ها آموزش بدهند؛ اینکه جنگ اتفاق مطلوبی نیست، اما در برابر ظلم هم نباید بی‌تفاوت بود و صرفاً نظاره‌گر ماند.

■به نظر شما، ضعف اصلی ما در برنامه‌سازی کودک هنگام مواجهه با بحران‌هایی از این دست چیست؟ کمبود بودجه، شناخت ناکافی از دنیای کودکان یا نبود نگاه راهبردی و بلندمدت؟

کمبود بودجه که تنها مسئله نیست، اما متأسفانه در ایران کسی بچه‌ها را آن طور که باید، جدی نمی‌گیرد.

■چرا چنین اتفاقی افتاده است؟

کمترین بودجه‌ها برای تولید آثار کودک اختصاص پیدا می‌کند که واقعاً خجالت‌آور است. من همیشه دوست داشته‌ام فیلم‌های بزرگ برای بچه‌ها بسازم. اتفاقاً این نخستین بار است که یک فیلم غیرفانتزی برای کودکان می‌سازم و یکی از دلایل اصلی آن هم همین مسئله بودجه است. واقعیت این است که پول کافی برای تولید چنین آثاری وجود ندارد. من تمام مفاهیم استکبارستیزی را با زبان کودکانه در فیلم «آهوی پیشونی‌سفید» به بچه‌ها آموزش دادم.

در آن فیلم، اختاپوس نماد کسی بود که زور می‌گوید و بچه‌ها باید مقابل زورگویی او بایستند. مگر این همان مفهومی نیست که ما از دفاع مقدس و ایستادگی در برابر ظلم برداشت می‌کنیم؟ اما متأسفانه نه‌تنها از این نگاه حمایت نشد، بلکه همان زمان آن قدر مرا تحت فشار قرار دادند و آن قدر فیلم دچار ممیزی و سانسور شد که واقعاً کار را سخت کردند. به اعتقاد من، هنوز به‌درستی نمی‌دانیم باید چه نوع فیلمی برای کودک بسازیم. باید آثاری تولید کنیم که حتی کودکان و نوجوانان غیرمذهبی هم با آن ارتباط برقرار کنند. مفاهیمی مانند ظلم‌ستیزی باید به‌صورت غیرمستقیم، استعاری و متناسب با ذهن کودک روایت شوند.

در واقع، باید بتوانیم قشر خاکستری را جذب کنیم؛ چون کسانی که مسیر و باور مشخصی دارند، راه خودشان را پیدا کرده‌اند. مسئله اصلی، مخاطبی است که هنوز در حال شکل دادن به نگاه و باورهای خود است و اتفاقاً کمتر هم مورد توجه قرار می‌گیرد. متأسفانه بخشی از ممیزی‌ها نیز از شناخت کافی نسبت به دنیای ذهنی کودک و نوجوان برخوردار نیستند. نتیجه این می‌شود که یا اساساً فیلم کودک ساخته نمی‌شود، یا اگر هم ساخته شود، آن قدر ضعیف و دور از دنیای کودکان است که خود بچه‌ها هم ارتباطی با آن برقرار نمی‌کنند و آن را دوست ندارند.

■اگر نیت سازندگان فیلم‌های کودک خیر باشد، اما شناخت درستی از روان کودک نداشته باشند، ممکن است نتیجه معکوس بدهد و اثر ناموفقی از کار دربیاید؟

حتی اگر قرار است فیلمی با موضوع جنگ ساخته شود، باید کاملاً هوشمندانه ساخته شود. اگر یک اثر نتواند بر مخاطب تأثیر بگذارد، چه فایده‌ای دارد؟

■منظورتان از ساخت هوشمندانه دقیقاً چیست؟

سال‌ها پیش فیلمی ساخته شد به نام «منطقه پرواز ممنوع». من شخصاً آن فیلم را خیلی دوست داشتم، اما بچه‌ها هیچ ارتباطی با آن برقرار نمی‌کردند. چرا باید اتاق یک کودک به سنگر تبدیل شود؟ این یعنی چه؟ اتفاقاً اتاق یک بچه باید پر از عروسک، اسباب‌بازی و عناصر متناسب با دنیای کودکانه باشد؛ اما همان عروسک‌ها می‌توانند نمادها و مفاهیم مختلف را به کودک منتقل کنند. به اعتقاد من، باید از نمادها استفاده کرد. بچه‌ها بسیار باهوش‌تر از آن چیزی هستند که معمولاً تصور می‌کنیم. یک کودک پنج‌ساله بسیاری از مفاهیم را می‌فهمد، البته اگر آن مفاهیم با زبان خودش برایش روایت شوند. مخاطبان اصلی فیلم‌های کودک من هم همیشه همین بچه‌های پنج، شش یا هفت‌ساله بوده‌اند و تجربه به من نشان داده آن‌ها خیلی بیشتر از چیزی که فکر می‌کنیم، درک و شعور دارند.

■اگر همین کودک از شما بپرسد «چرا بچه‌ها در جنگ کشته می‌شوند؟»، شما به‌عنوان یک برنامه‌ساز چه پاسخی برای او دارید؟

من سعی می‌کنم بچه‌ها را با کسانی آشنا کنم که آغازگر جنگ هستند؛ با کسانی که واقعاً زمینه‌ساز جنگ می‌شوند و در ادامه، دست به آدم‌کشی و کودک‌کشی می‌زنند. البته این مفاهیم باید متناسب با سن و زبان کودک برای او روایت شوند.

واقعاً چه توجیهی برای کشته شدن ۱۶۸ کودک در یک مدرسه وجود دارد؟ چه توجیهی برای کشته شدن ۶۰ هزار کودک در غزه می‌توان آورد؟ چه دلیلی می‌تواند کشتن کودکان را توجیه کند و بعد هم بخواهد برای آن استدلال بیاورد؟ مگر چنین چیزی امکان‌پذیر است؟ به اعتقاد من، بچه‌ها باید این واقعیت‌ها را به اندازه ظرفیت سنی خودشان بفهمند و با آن‌ها آشنا شوند. بعد، به‌تدریج و قدم به قدم، با اصل ماجرا و ریشه‌های این اتفاق‌ها آشنا خواهند شد.

مناقصه عمومی یک مرحله ای اجرای فونداسیون ساختمان اداری شهرداری (فراخوان ۲۰۰۵۰۹۳۰۲۹۰۰۰۰۰۳)

شهرداری فیض آباد در نظر دارد فراخوان اجرای فونداسیون ساختمان اداری شهرداری به شماره ۲۰۰۵۰۹۳۰۲۹۰۰۰۰۰۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵،۰۴،۲۹ ساعت ۰۸:۰۰
- مهلت دریافت اسناد فراخوان : ۱۴۰۵،۰۵،۰۸ ساعت ۰۸:۰۰
- مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۴۰۴،۰۵،۲۶ ساعت ۱۰:۰۰
- زمان بازگشایی پاکت ها:۱۴۰۵،۰۵،۲۷ساعت ۱۴:۰۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین درمناقصه ۱،۵۲۶،۸۲۱،۰۸۶ ریال می باشد .

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : فیض آباد –حاشیه میدان امام خمینی (ره)

مهندس فروزان ۰۹۱۵۳۳۳۸۲۵۵ ۰۵۱- ۵۶۷۲۲۳۳۶-۸

رضا مطلبی پور

شهردار فیض آباد

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۷۷ ف
برگ سبز خودرو پژو۲۰۶ آریان مدل۱۳۸۶به رنگ خاکستری-متالیک به شماره پلاک ۸۷۹ج۴۷ ایران ۳۶به شماره موتور ۱۳۳۸۶۰۱۰۲۸۸ وشماره شاسی ۲۲۶۰۲۳۱۱به نام ساناز محمد پور شورجه مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۷۰ ف
برگ سبز سواری ساپیا SL۱۳۱ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۵۷ م۳۱۳ ایران ۴۲ و شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۰۹۲۴۸۳۶ و شماره موتور۴۱۴۴۰۳۷ بنام معصومه برزکار مفقود شده و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۹ ف
برگ سبزسواری هاچ بک QUIK R مدل ۱۴۰۴ رنگ سفید - مشکی – روغنی به شماره موتور M۱۵۵۵۹۸۶۴۳ و شماره شاسی NAPX۲۱۲AAS۱۳۳۷۷۰۶ شماره پلاک ۱۹۳ ب ۹۷ ایران ۳۲ بنام محمد تازیکی کد ملی ۵۷۴۸۹۲۶۳۲۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد .

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۷ ف
برگ سبز و کارت سواری هاچ بک به شماره انتظامی ایران ۲۶- ۲۷۶ س ۵۷ و شماره شاسی NAAR۷۳H۵FTDP۸۱۳۲۹ و شماره موتور ۱۸۸B۰۱۰۳۸۰۰ بنام فاطمه بابایی راد به شماره ملی ۰۶۷۰۸۵۴۸۲۴ مفقود و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۶ ف
سندکمپانی و برگ سبز سواری دنا تیپ DENA+EF۷- TCA مشکی متالیک مدل ۱۴۰۳ شماره پلاک ایران ۳۷۲-۳۲ م ۳۳ شماره موتور H۰۱۹۷۸۸۴ ۱۵۳ شماره شاسی NAAW۶۱HYERDC۸۳۸۹۰ به نام محمد ابراهیم فلاحیان مفقود و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۴ ف
برگ سبز خودروی سواری پژو پارس بشماره پلاک ایران۲۶-۵۹۱-۹۲و۵ و شماره موتور۱۳۹B۰۲۰۷۳۱۷ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۲MH۶۵۷۱۲۱ بنام آریا مجرد مفقودگردیده وازدرجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۲ ف
برگ سبز،سند کمپانی و کارت خودرو سواری پراید به مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره‌ای و شماره موتور M۱۳/۶۴۸۵۶۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۱۸۸۰۹۲ و شماره پلاک ۶۸ -۳۶۹و۶۷ بنام سمیرا طبخی مفقود و درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۵ ف
برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت روان سیکلت CG۱۲۵CC مدل ۱۳۹۰ به رنگ مشکی به شماره پلاک ۷۶۵/۷۲۲۲۳ به شماره موتور NEK***۱۲۵A*۵۱۰۲۰۵۳۸* و به شماره تنه NEK***۱۲۵A۹۰۰۷۹۲۸ بنام علی جوان مفقود و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۷۸ ف
اصل سند و برگ سبز موتور سیکلت پاسار رنگ مشکی مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور 180FML*۸۷۹۹۸۴۸۷* و شماره تنه NCA***۱۸۰A۹۰۰۳۰۶۶ و شماره پلاک ۷۶۴/۸۹۴۱۸ بنام آقای حبیب اله رحمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۳ ف
بدین وسیله به اطلاع می رساند که برگ سبز و کارت خودرو اینجانب رامین صالحی مورکانی به کد ملی ۶۲۰۹۸۹۵۹۷۲ مربوط به خودرو وانت پیکان تیپ OHV ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید به شماره پلاک ۴۵ ایران ۵۲۶ د ۷۴ به شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۰۶۳۷۹ و به شماره شاسی NAAA۴۶AAX۸G۰۰۳۰۳۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۷۴ ف
برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید صدفی روغنی به شماره موتور ۱۰FSE۳۳۷۳۸۵۰۶ و شماره شاسی ۸۱۶۰۳۰۶۳ و شماره پلاک ۵۴۵ط۳۸ ایران ۱۲ بنام حسین اکرمی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۱ ف
برگ سبز سواری پژو ۲۰۶ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۵ شماره پلاک ایران ۳۶. ۷۶۲ م ۲۴ شماره موتور ۱۳۰۸۵۰۸۱۳۴۹ شماره شاسی ۱۰۸۴۳۰۶۲ به نام محمود حسن نژاد استیری مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۸ ف
اخذ پایانکار ساختمان پلاک ثبتی ۲۹۶۸ به کد نوسازی ۰ _۱۸ _۱۰ _۵ _۱ شماره پروانه ۹۴۶۰ واقع در گلبهار مفقود و فاقد اعتبارمیباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۲۰
برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶tu۳ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید -روغنی به شماره موتور ۱۸۲A۰۱۷۷۴۴۰ به شماره شاسی NAAP۰۳EE۱NJ۲۹۳۱۹۴ به شماره ۵۲ ایران ۵۸۳ ب ۳۳ به مالکیت بهزاد کیان تاج مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۵۸
برگ سبز خودرو سواری پراید به شماره شهربانی ۴۳ ص ۲۳۴ ایران ۳۶ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۴۵۷۴۱ و شماره موتور ۲۶۱۴۰۸۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۴۵
برگ سبز خودرو سواری سمند LX-EF۷ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۴۷۸۹۰۱۲۸۵۲ به شماره شاسی NAAC۷۱JC۳BF۲۷۵۰۵۷ به شماره ۳۶ ایران ۶۹۵ ق ۱۶ به مالکیت جعفر جعفری طرقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۳۰
برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۸ به رنگ نقره‌ای - متالیک به شماره موتور ۱۲۴K۱۳۸۲۳۳۸ به شماره شاسی NAAM۰۱CE۰KK۲۴۱۰۲۳ به شماره پلاک ۴۲۳ ج ۵۲ ایران ۹۳ به مالکیت محمود محمودزهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۷۳
برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۷I مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۱۱۵۹۴۵ ایران ۳۶ و شماره موتور ۱۵۲۹۰۰۱۰۷۴۶ و شماره شاسی NAARI۳FE۹CJ به مالکیت فهیمه عرفانی روغن‌گر مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۷۰۶۵ ف
پروانه ساختمانی شماره ۹۷،۱۰۲ مورخ ۱۳۹۷،۱۲،۲۸ به نام آقایان محمدرضارجبی؛ محمدرضاخان زاده جامی و سیدمحمدتقی میرزائی به آدرس: شهر فرهادگرد، خیابان قائم، نبش قائم شمالی ۶ مفقود گردیده و فاقداعتبار می باشد.